



پانزدهم دی ماه ۱۳۸۷

سال اول، شماره یک

## سرمقاله : چرا پرولتاریا را منتشر می کنیم ؟

های طبقه کارگر می گردند سر بر آورده و سموم بیشتری را در درون طبقه کارگر وارد می کنند .

برای رشد و ارتقاء جنبش کارگری و پیشروی در مبارزه بر علیه سرمایه داری ، باید کارگران هر چه متشکل تر و سازمان یافته تر شوند. شرایطی که نیاز و ضرورت ایجاد حزب طبقه کارگر را صد چندان کرده است. حزبی که با مسلح کردن طبقه کارگر به علم مبارزه طبقاتی ، این طبقه را در به انجام رساندن انقلاب کارگری رهبری نماید . انقلابی قهر آمیزی که طبقه کارگر به وسیله آن ، سیادت سیاسی سرمایه داری را در هم شکسته و دیکتاتوری پرولتاریا را جایگزین دولت سرمایه داری نماید و در جهت بر پایی سوسیالیسم و رهایی جامعه سعی و تلاش کند . با توجه به اینکه شرایط زیربنایی برای انقلاب کارگری آماده است و لزوماً به جهت رشد و ارتقاء طبقه کارگر برای انجام انقلاب نیاز به شرایط روبنایی، یعنی ... ادامه در صفحه ۳

اقتصادی و سیاسی را در دست دارد و از هر گونه ابزار تهاجم برخوردار است و در سوی دیگر طبقه کارگر که بدون انسجام و پراکنده بوده و آنچه در اختیار دارد ، بسیار نا چیز است .

در جامعه بسیاری از تشکلهای احزاب دست ساز و زرد ، ابزار تحمیل اراده سرمایه داران به طبقه کارگرند که فقط نام "کارگر" را با خود به پدک میکشند و با نفوذ در جنبش کارگری ، در جهت حفظ نظام سرمایه داری تلاش و کوشش می کنند . تا جاتیکه نفوذ و تسلط گرایشاتی چون فرمیسم، روزیونیسم، سوسیال دمکراتیک و ... ، شیرازه جنبش کارگری را از هم گسسته و با مهار این جنبش، از درون، و بی افق کردن آن ، مبارزات کارگران را بی نتیجه و عقیم کرده اند . هر چه بیشتر تهاجم سرمایه داری شدت می یابد ، در مقابلش مقاومت کارگران نیز بیشتر می شود و از درون مبارزه و حواشی آن ، انحرافات بیشتری که باعث شکست

سرمایه در روند و پروسه جهانی سازی و اجرای سیاستهای نئو لیبرالیستی در سطح جهان با بحران فزاینده ای روبرو بوده و برای افزایش سود و انباشت سرمایه و تعدیل شدت بحران ، اثرات و تبعات مخرب این بحران را به زندگی کارگران و اقشار مختلف جامعه سر شکن و تحمیل می کند . هم چنین بر اثر رشد و توسعه مناسبات سرمایه داری ، توزیع ثروت نیز هر چه بیشتر یک جانبه شده و شکاف میان طبقات شتاب بیشتری می گیرد . در همین حال که شکاف و دره بسیار عمیق و ژرفی بین اقلیت ثروتمند و اکثریت بسیار فقیر جامعه عمیق تر می گردد ، تهاجم سرمایه داری برای تصاحب ارزش افزوده هر چه بیشتر ، شدت می یابد. شرایطی که برای مقابله با آن، مقاومت طبقه کارگر و قشرهای مختلف جامعه نیز بیشتر شده و صفوف نبرد و ستیز طبقاتی ، شفاف تر و دقیقتر گشته و نیروهای طبقات اصلی در مقابل یکدیگر صف بندی می کنند. در یک سو طبقه سرمایه دار که قدرت

با انتشار و توزیع این نشریه از ما حمایت کنید و نظرات انتقادی خود را با ایمیل زیر برای ما بفرستید:

proletariat@gmail.com

### در این شماره می خوانید

- صفحه اول سرمقاله : چرا پرولتاریا را منتشر می کنیم ؟
- صفحه اول نگاه ما به مبارزه ایدئولوژیک و علم مبارزه طبقاتی
- صفحه دوم ضرورت ایجاد یک سازمان کمونیستی
- صفحه چهارم شرکت در انتخابات یا تحریم آن ؟
- صفحه ششم اعلامیه انحلال گروه کارگری هدف
- صفحه هفتم منشور پیشنهادی "تلاش برای ایجاد حزب طبقه کارگر"

## متن طرح اولیه

## منشور پیشنهادی

## برای ایجاد حزب

## طبقه کارگر ایران

صفحه ۷

## نگاه ما به مبارزه ایدئولوژیک و علم مبارزه طبقاتی

فردی دیده و آگاهی خود را نسبت به این پدیده به ظاهر آن محدود می کند. و یا فردی از کمی دورتر، گروه هایی را می بیند که مشغول فعالیت و مجادله هستند. او نیز اگر بخواهد نظاره گری خود را به همین زاویه و سطح محدود کند، او نیز فراتر از ... ادامه در صفحه ۴

فردی که از درون و نزدیک این پدیده را نظاره می کند، اشخاصی را می بیند که با دیدگاه های متفاوت مشغول به فعالیت ها می باشند و گاه به مجادله می پردازند. خوب اگر این فرد نگرش خود را به همین سطح محدود کند، این فعالیت ها و مجادلات را بصورت شخصی و

جنبش کمونیستی ایران نیز چون هر پدیده دیگری دارای ابعادی است که با در نظر گرفتن زاویه ی دید هر نظاره گر وجهی از آن قابل رویت می گردد. اینکه آیا نظاره گری بتواند کلیت این جنبش را ببیند و به تمایلات عمومی آن واقف گردد، بستگی به روش تحقیق او دارد. مثلاً برای

## ضرورت ایجاد یک سازمان کمونیستی

مبارزات و اعتراض هایشان در چهار چوب مسائل صنفی و درون حصار کارخانه و واحد تولیدی شان جریان دارد. آنچنانکه کارگران این کارخانه از اخبار مبارزات و اعتراضات کارخانه بغل دستی خود بی خبر بوده و نسبت به مبارزات دیگر کارگران بی تفاوت هستند.

از سوی دیگر فعالین و پیشروان طبقه کارگر نیز پراکنده بوده و هنوز نتوانسته اند خود را از عوارضی که سرمایه به آنان تحمیل کرده رها سازند و با ایجاد یک تشکل منسجم و رزمنده کمونیستی در میان طبقه خود حضوری دخالتگر و سازنده داشته باشند. اکثریت فعالین کارگری مجذوب این اعتصابات و اعتراضات گسترده و پراکنده شده اند و با هر اعتصاب و اعتراضی که آغاز میشود آنان نیز به جنب و جوش و تلاش می افتند. تلاشی که در حضور بین کارگران اعتصابی و تهیه گزارش و دادن چند رهنمود برای پیشبرد اعتصاب این کارگران خلاصه میشود. این فعالین مقابل جنبش خود بخودی طبقه کارگر سر فرود آورده و فراموش کرده اند که به عنوان یک کمونیست و پیشرو، ابتدائی ترین وظیفه اشان ارتقاء و رشد مبارزات کارگران و آگاه کردن توده کارگر به نیروی طبقاتی اش می باشد. فراموش کرده اند که تا کارگران آگاه نشوند به این امر که سرنوشتشان با دیگر کارگران گره خورده و آنها عضو یک طبقه اجتماعی هستند و تا زمانی که به نیروی طبقاتی و عظیم خود تکیه نکنند و بعنوان یک طبقه در میدان مبارزه با سرمایه، حضور نداشته باشند و با رهبری دیگر جنبش های اجتماعی در جهت انقلاب اجتماعی و کسب قدرت سیاسی تلاش نکنند هر روز که میگذرد فقر و فلاکت بیشتر گریبانشان را خواهد گرفت.

### انقلاب سال ۵۷

حضور قدرتمند و تعیین کننده کارگران در مبارزات ۵۷ خصوصاً کارگران نفت پرونده سلطنت رادر جامعه ما برای همیشه بست اما به

ادامه در صفحه ۳

بورژوازی، فرمیسم و سندیکالیسم، جنبش بین المللی کارگران کاملاً عقیم شده است. چرا که سرمایه با تمام توان خود در جهت رشد و قوت این گرایشات، تلاش می کند و با تسلط این گرایشات بر جنبش کارگری، کارگران در تمام دنیا در مبارزه با سرمایه هر چه بیشتر به حصار تنگ کارخانه و مرکز کار خود پناه میبرند.

### جنبش کارگری

کارگران در تمام نقاط جامعه ما نیز در گیر مبارزه بوده و به خاطر عدم دریافت حقوق های عقب افتاده تعطیل شدن کارخانه و از دست دادن شغل خود اخراج های دسته جمعی و..... غیره در اعتصاب و اعتراض هستند. امروزه به هر مرکز صنعتی که مراجعه کنی، خواهی دید که در چند واحد آن مرکز صنعتی، کارگران چندین ماه است حقوق دریافت نکرده اند و همچنین چندین واحد تولیدی نیز تعطیل شده و کارگرانش در راهروهای دادگاه و وزارت کار منطقه به دنبال گرفتن حق و حقوق خود هستند. چرا که با تعطیل شدن کارخانه ای که در آن کار میکردند و از دست دادن شغلشان و مانده اند که چگونه خانواده خود را در چنین شرایطی که شب میخوانند و صبح بیدار می شوند اجناس و ارزاق عمومی چند برابر شده باید اداره کنند و شکم های خالی فرزندانشان را سیر نمایند. یا واحدهایی که در حال تعطیل شدن است و کارگرانش نه تنها چندین ماه است حقوق دریافت نکرده اند بلکه برای حفظ شغلی که دارند مجبورند بجنگند و مبارزه کنند. اما متأسفانه در جامعه ما طبقه کارگر نه تنها به عنوان یک طبقه اجتماعی در میدان مبارزه با سرمایه حضور ندارد. بلکه بنا بر شرایط حاکم در جامعه، مبارزات کارگران پراکنده بوده و در چهار چوب واحد تولیدی و کارخانه ای که در آن هستند محصور می باشد. کارگران هر بخش و واحد تولیدی به تنهایی و جداگانه در پی حل معضلات خود هستند و

### جنبش بین المللی کارگران

این روزها در هر گوشه ای از جهان، از کشور های صنعتی تا کشورهای عقب افتاده در رسانه ها بحث نگویند بختی و مصیبتی است که گریبان کارگران و زحمتکشان را بیش از پیش خواهد گرفت. مانند همیشه سرمایه با سر شکن کردن هزینه بحرانی را که پیش رو دارد بدوش کارگران و زحمتکشان، شرایطی را در تمام جوامع رقم میزند که با گذشت هر روز، هزاران کارگر به لشکر عظیم بیکاران می پیوندند. کارگران سراسر جهان هر روز بیشتر با سیه روزی و فقر و فلاکت دست به گریبانند و مجبورند برای حفظ بقای خود و بی خانمانی شان مقابل سرمایه دست به مبارزه زنند. سرمایه با گذشت هر روز، دم منشانه تر توحش خود را به نمایش گذارده و در تمام جوامع یورش خود را به طبقه کارگر در جهت باز پس گیری دستاوردهایی که با جانفشانی و مبارزه میلیونها میلیون کارگر به دست آمده است تشدید می کند. طبقه کارگر یک طبقه جهانی است و سرنوشت تک تک کارگران در هر نقطه ای از جهان که باشند به هم گره خورده است، مرزهای جغرافیایی را سرمایه در جهت منافع خود بوجود آورده و همانگونه که سرمایه مرز نمی شناسد. این مرزها نمی تواند کارگران را از هم جدا کند. کارگران تنها یک راه برای خلاصی از فقر و فلاکت روزافزون، پیش رو دارند، آنهم متشکل شدن و آغاز مبارزه ای همه جانبه مقابل سرمایه می باشد. هر چند که مضمون و محتوای مبارزات کارگران بر علیه سرمایه، بین المللی است و اعتراض هر کارگر، اعتراض میلیاردها کارگر در جهان است. اما به علت عدم وجود تشکیلات انتر ناسیونالیستی در جهان و عدم حضور کمونیسم به عنوان یک قطب قوی و انقلابی در پراتیک جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی و عدم مبارزه ای پیگیر و مستمر با گرایشات غیر کارگری مانند سوسیالیسم

## ادامه سرمقاله ....

حزب طبقه کارگر می باشد.

نیاز کنونی در جهت رسیدن به حزب انقلابی، ضرورت یک مبارزه ریشه ای و تئوریک با انحرافات موجود در جنبش کارگری برای تکوین تئوری انقلاب و تدوین برنامه حزب طبقه کارگر را در دستور روز هر محفل مارکسیستی قرار داده است. آغاز مبارزه ای پیگیر که می طلبد محافل پراکنده کمونیستی را به هم نزدیک کرده و نهایتاً به ایجاد یک حزب کمونیستی منسجم بیانجامد. ضرورتی که باعث گردید ما نیز به نوبه خود مانند چند محفل دیگری که اخیراً اقدام به انتشار نشریات تئوریک برای آماده سازی زمینه ایجاد حزب کرده

برنامه روشن و شفاف کارگری، گامی است عملی در جهت ایجاد حزب طبقه کارگر و ما اعتقاد داریم که دیر یا زود محفل های واقعا مارکسیستی برای ایجاد حزب طبقه کارگر به هم خواهند پیوست.

به امید چنان روزی هیئت تحریریه نشریه پرولتاریا

**پیش به سوی ایجاد حزب  
طبقه کارگر!**

اند، اقدام به انتشار نشریه خود به نام "پرولتاریا" نمایم تا شاید در این پروسه بتوانیم محافلی را به هم نزدیک کرده و در پروسه ساخته شدن حزب و مبارزه با انحرافات طبقه کارگر سرعت بیشتری بدهیم.

در نهایت از تمامی محافل دعوت می کنیم که اگر بحث ما را در رابطه با لزوم ساخته شدن حزب قبول داشته و یا حتی بحث های بهتر و دیگری در این رابطه دارند، به ما یا به محافل دیگر بپیوندند. حضور در عرصه مبارزات ایندولوژیک که در این شرایط یکی از عرصه های مهم مبارزه طبقاتی است و تلاش در جهت رسیدن به یک

از صفحه ۲

علت عدم وجود حزب انقلابی طبقه کارگر ، بورژوازی به راحتی از قدرت عظیم کارگران سود برده و با دنباله روی کردن آنان به سیاست های خود در جهت دست به دست کردن قدرت سیاسی از بخشی به بخش دیگر و سرکوب انقلاب نهایت استفاده را برد. از همان روزهای اول جمهوری اسلامی که محصول سیاستهای سرمایه جهانی بود ، در جهت سرکوب انقلاب و کمونیسم در حال رشد ، حتی لحظه ای را از دست نداد . جنگ بزرگترین نعمت نیز برای آنها ، شرایطی را مهیا نمود تا بتوانند برای سرکوب انقلاب و کمونیسم ، دست به کشتاری بی سابقه و خونین در تاریخ بشریت بزنند .

حکومت با یورش و سرکوب خونین سال ۶۰ و دستگیر کردن گروه گروه از اعضا و هواداران جریانات سیاسی و اعدام بی شماری از آنان ، به راحتی توانست بر جامعه مسلط شود و با حاکم کردن فضای رعب و وحشت از هر گونه فعالیت سیاسی مستمر جلو گیری کند . جریانات خلقی و پوپولیستی که محصول شرایط عینی و خاص جامعه در آن سال ها بودند

بعد از توحش و کشتار سال ۶۰ کاملاً شیرازه اش از هم پاشید و عناصر باقی مانده از این جریانات سعی کردند در این سال ها بقول خودشان این جریانات را احیاء کنند . اما مجبور بودند در خارج از مرزهای جامعه به حیات سیاسی خود ادامه دهند .

وجود خفقان و سرکوب شدید در جامعه و اعدام

آنچنان وحشتناک در سال ۶۰ تا ۶۷ باعث شد تا هر کسی که میتواند جان خود را نجات دهد ، متأسفانه تعداد زیادی اینچنین مجبور به خروج از جامعه شدند . اگر بلشویکها بنا به خفقان حاکم در روسیه مجبور بودن مرکزیت خود را در خارج از مرزهای جامعه ای که به آن تعلق داشتند مستقر کنند اما کادرها و اعضاء حزب شبانه روز در جامعه روسیه فعالیت میکردند. حتی اگر یکی از آنان بالاچار مجبور می شد و از کشور خود خارج می شد بعد از مدتی کوتاه و دیدار رهبری حزب و دادن گزارش از محیط فعالیتش و گرفتن آموزشهای لازم ، با دستی پر و نیرومندتر از گذشته ، به جامعه خود باز می گشت .

اما متأسفانه جریانات سیاسی مدعی کمونیسم در جامعه ما ، تلاششان در این سالها جمع کردن هر چه بیشتر اعضاء و کادرها پیرامون خود در خارج از جامعه بوده است و در تمام این سالها ، برنامه ای مبنی بر بازگشت آنان و دخالتگری در مبارزات جاری جامعه و شکستن سدهای اختناق در میان نبوده است .

اگر تعداد معدودی عضو و سمپات نیز خصوصاً در سالهای اخیر ، از داخل جامعه به آنان پیوستند . با نوع ارتباط گیری که از طریق کامپیوتر بود ، نه تنها این افراد ، بلکه برای خود این جریانات نیز ارمغانی جز پاسیفیسم نداشته است . جریاناتی که به جای دخالتگری در عرصه های مختلف جامعه و مسلح کردن طبقه کارگر به علم مبارزه طبقاتی و سازماندهی این طبقه در جهت انقلاب و کسب قدرت سیاسی ، در گیر رقابت با یکدیگر هستند . رقابتی مبنی بر اینکه کدام جریان بیش از دیگران نیرو و کادر در اختیار تشکیلات خود دارد . در این رابطه مایه تاسف است که بگویم ، حزبی که مدعی است حزب طبقه کارگر است به خود بالیده و با غرور

اعلام می کند که در کنگره حزبی اش ۴۰۰ ، ۵۰۰ کادر شرکت داشتند . کادرهایی که اگر بدرستی تربیت شده بودند و بعنوان کادر های ورزیده و کمونیست در جهت رشد و سازماندهی طبقه کارگر تلاش می کردند ، هیچ گاه گرایشات غیر کارگری نمی توانست بر جنبش کارگری تسلط یابد .

### تسلط گرایشات بورژوازی بر جنبش کارگری

جمهوری اسلامی بعد از اتمام جنگ ، بزرگترین نعمتی که با استفاده از آن توانست انقلاب را سرکوب و مخالفین خود را قلع و قمع نماید و خود را از نظر سیاسی تثبیت کند ، در جهت اجرای سیاستهای سرمایه جهانی و آنچه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول دیکته میکرد ، حرکت کند . چرا که دولت سرمایه داری ایران نیز نمی خواست از قافله جهانی سازی عقب بماند و از غارت و چپاول دست رنج کارگران جهان بی نصیب بماند . در این راستا و روند جهانی سازی و اجرای سیاستهای نئو لیبرالیزم ، نتایج اقتصادی را در تمام کشورهای جهان خصوصاً در کشورهای چون ایران در پی داشت . یعنی برای سرمایه سودهای افسانه ای و برای کارگران و زحمتکشان فقر و فلاکتی روز افزون که موجب اعتراضات شدید و رشد جنبش های اجتماعی در جامعه بود . جنبش های رو به اعتلایی که باید کنترل می شد و در این رابطه ایده آل ترین التر ناتوی که می توانست برای سرمایه مطرح شود التر ناتوی بود که سالها در خدمت سرمایه به خوبی عمل کرده و تجربه شده بود . یعنی تسلط رفرمیسم بر جنبش کارگری ، جنبشی که بدون رهبری آن ، هیچ انقلاب و تغییری بنیادی نمی تواند ایجاد شود . دولت سرمایه داری نیز به علت عدم حضور یک قطب قوی و نیرومند کمونیستی در جنبش کارگری ، به دلالتی که به آن اشاره شد ، توانست در جهت رشد و تسلط رفرمیسم موفق شود .

ادامه در صفحه ۵

## شرکت در انتخابات یا تحریم آن ؟

همراه جریان خط امام و مجاهدین انقلاب اسلامی و دانشجویان انجمن اسلامی دانشجویان و همچنین جریانهای رفرمیستی مانند حزب توده و فدائیان (اکثریت) دستهایشان در دهه ی ۶۰ آلوده به خون هزاران انقلابی و کمونیست است. اینان وفاداریشان به سرمایه را با کشتار کمونیستها نشان داده اند و کمونیستها که بهترین فرزندان و حامیان و نمایندگان طبقه ی کارگر می باشند به دست همین جانیانی که امروز ژست دموکراتیک گرفته اند کشتار شده اند. کشتار کمونیستها و دشمنی با کمونیستها بهترین شاخص برای شناخت دشمنان طبقه ی کارگر است. این جریانات باز هم یکبار دیگر دست بکار شده اند تا با فریب توده ها سرکوب را به جناح اصول گرا نسبت دهند و خود را "سید خندان" بنمایانند. لذا کمونیستها و همه ی انقلابیون موظفند تا با افشای گسترده ی این جریان، سیاست هایشان را خنثی کرده و جمهوری اسلامی را درگیر تضادهای درونی اش کنیم .

آزادی هایی که خاتمی برای توده ی مردم به ارمغان می آورد همان آزادیهایی ست که احمدی نژاد داده است. دیگر کم و زیاد بودن آن تاثیری بر سرنوشت توده ها ندارد. اگر احمدی نژاد با طرح

.... ادامه در صفحه ۶

هستند بر آن دامن زده و خواهند زد. اگر به تحلیل بازمانده های حزب توده مراجعه کنید، مشاهده خواهید کرد که آنان راضی به « بند انگشتی تغییرات » هستند و اگر چه این شرایط را نا امیدانه تحلیل می کنند، ولی اینان نیز در فریب توده ها برای راضی شدن به بند انگشتی تغییرات مشارکت می کنند. ایشان نیز در هراسند که مبدا توده ها با روی آوردن به آلترناتیو انقلابی اساس سرمایه را متزلزل نمایند . جمهوری اسلامی خود بر این امر واقف است که برای سرکوب بیشتر توده ها و همسان کردن خود با جریان حاکم بر سیاست بین المللی می بایست به سیاست هویج و چماق روی آورد . با آمدن بیل کلینتون خاتمی رئیس جمهور می شود و با آمدن جرج بوش احمدی نژاد و لذا با آمدن اوپاما جمهوری اسلامی نیز باید خود را با شرایط دنیا همسان کند و خاتمی و یا امثال خاتمی را با پز ضدیت با رژیم به میدان بفرستد . اما آنچه که بر همه ی کمونیستها یک وظیفه ی انقلابی ست افشای بدون وقفه ی سیاستها و روشهای این جریان امپریالیستی (خاتمی) است.

خاتمی که خود را نماینده ی پیروان خط امام می داند از همان آشخوری سرچشمه می گیرد که به

آنچه که در فضای روشنفکری ایران این روزها بسیار شنیده می شود و برخی بسیار در مورد آن قلم زده و یقه می درانند باز هم موضوع قالب کردن خاتمی به جنبش اجتماعی ایران و ترمز کردن سمت رادیکالی جنبش است. مهمترین نقطه ی اصلاح طلبان حکومتی باز هم عمده کردن و مظلوم نمایی آنها در مقابل شورای نگهبان است، در حالی که همین چند روز پیش خاتمی باز هم وفاداریش را به همین قانون اساسی که قدرت شورای نگهبان را نهادینه کرده اعلام نمود . خاتمی با سالوسی تمام از صداقتی که ندارد حرف می زند و برای فریب توده ها همان ژست دموکراتیک را می گیرد. دائم از آزادی تو خالی حرف می زند. اما، در عمل به پابوسی خامنه ای رفته و آزادی را به قربانگاه می برد.

اصلاح طلبان حکومتی و خارج از حکومت در صدند تا این توهم را ایجاد کنند که خاتمی اپوزسیون رژیم است تا مردم را به دنباله روی از خاتمی بکشانند. خاتمی نیز با بازی کهنه شده ی بورژوازی سعی در تحمیق و فریب توده ها دارد تا بگوید که انتخاب او نه به خواست رژیم و اربابانش بلکه به خواست و رای میلیونی مردم بوده است. رفرمیستها هم که همیشه پادوهای این جریانات

## ادامه نگاه ما به مبارزه ایدئولوژیک و علم مبارزه طبقاتی ...

شناخت یک وجه از وجوه جنبش کمونیستی نمی رود. هر دوی این افراد هنگامیکه بخواهند خود را در مقام حلال مشکلات و معضلات این جنبش بگذارند، از آنجایی که دارای شناختی محدود و سطحی نسبت به آن هستند، نسخه های نامربوط برای آن پیچیده و به جای درمان، جنبش را مریض تر و ناتوان تر می کنند. اینست مشکلی که ما با آن روبرو هستیم. یعنی کسانی خود را در مقام حل و فصل معضلات و مشکلات جنبش کمونیستی ایران قرار داده اند که حاضر نیستند به خود زحمت داده و این جنبش را با شیوه ی علمی بررسی کنند. البته منظور ما از «شیوه علمی» مسلماً شیوه مارکسیستی یعنی «علم مبارزه طبقاتی» است. این روش شامل بررسی پدیده ها در تمامی ابعاد آن در لحظه ای مشخص و همچنین ابعاد تاریخی است. یعنی، اگر بخواهیم این جنبش را در نسبیتهی بشناسیم که بتوانیم احتمالات لحظه ای حرکت آن را پیش بینی کنیم، باید اولاً مشخصات چند بعدی آن را در لحظه کنونی شناسایی کرده و سپس با مطالعه و تحقیق در مورد تاریخچه ی آن و نتیجه گیری از کلیت مشخص شده، اقدام به پیش بینی احتمالات آتی آن بنماییم.

خوب مسلم است که دستیابی به چنین شناختی حاصل اقدامی انفرادی نبوده و نیاز به جمع آوری آرای بسیاری دارد و همچنین، کار یکی دو روز نیست و به مدت ها تحقیق و بررسی نیازمند است. و ارایه نتایج آن نیز کار یکی دو مطلب نبوده و نیاز به جلد ها مطلب و مقاله خواهد داشت. بطور نمونه «کاپیتال» را در نظر بگیرید. این اثر نتیجه ی بیش از یک دهه مطالعه و تحقیق مارکس بوده است که اگر به نامه ها و یادداشت های گروندریسه و جلد های سه گانه ی کتاب کاپیتال و چند جلد «تئوری های ارزش اضافه» مارکس رجوع کنیم، می بینیم که برای شناخت از پدیده ای پیچیده، چقدر کار و زمان هزینه گشته تا با مطالعه و تحقیق در مورد آرای صاحب نظران و اطلاعات جزئی و مشخص و تاریخ جوامع بورژوازی و در حال گذار به سرمایه داری در اشکال و مشخصات گوناگون و همفکری با خبرگان برجسته ی زمان بالاخره به شناختی نسبتاً کامل دست یافته که تازه عمر مارکس به ارائه ی کامل آن کفاف نداد و اگر رفیق و همزم دیرینه ی او، انگلس نبود، ما نمی توانستیم از این گنجینه بهره مند شویم. اما، با مطالعه ی هر بخش از نوشته های مارکس در طی این سال ها می شد دید که از چنین شناخت غنی ای بهره مند است. مثلاً به گزارش او در مورد کمون پاریس به انترناسیونال که با نام "جنگ داخلی در فرانسه" منتشر گشته است، رجوع کنید. او در این گزارش چهار بخشی و ۵۰ تا ۶۰ صفحه ای، چنان تحلیل غنی و منسجم علمی ای را به زبان ساده ارائه داده که هر خواننده ای محسور عمق شناخت او از تاریخ مبارزه طبقاتی در فرانسه و قوانین عینی تحولات تاریخی جامعه بشری و نقش اشخاص و احزاب در چنان شرایطی می شود. مسلماً دستیابی او به چنان نظریه ای صرفاً محصول مطالعه و شناخت شخصی اش در افراد نمی باشد. در گروندریسه می بینیم که چگونه او از آمار و نظرات ریکاردو و اسمیت گرفته تا پرودون و لاسال و ... استفاده نموده و با قیاس و قضاوت و استدلال و ... هریک از تئوری ها را در اجزایشان به محک و واقعیت رسانده تا بالاخره به پختگی یک "ایده" رسانده است. و اگر ما با کارهای جوانی و مقدماتی او آشنا باشیم می دانیم که از آغاز نه به دنبال ساختن یک دستگاه فکری و "ایدئولوژی" خاص، بلکه صرفاً در پی کشف حقیقت قوانین حرکت جامعه بشری و به خصوص، مرحله سرمایه داری بوده است. این ناگزیر بود که چنان یافته هایی همراه با اکتشافات دیگر کمونیست ها و همزمانش در احزاب کمونیست و انترناسیونال، بعنوان ایدئولوژی طبقاتی کارگران به خدمت این طبقه در آید.

مبارزه ایدئولوژیک، از دید ما، چیزی نیست جز کاوش برای یافتن حقیقت پدیده ها. و حقیقت پدیده ها نیز مقولات پیچیده ای هستند که علم به آنها نه بصورت مستقیم و بلاواسطه، بلکه از طریق تفکر و سیر ایدئولوژیک یافته های حسی خود و دیگران، قیاس و قضاوت و نقد نظرات معاصرین و اسلاف، موافقین و مخالف، و ... حاصل می گردد. پس می بایست گزارشات دقیق و آمار صحیح را به دست آورده و آنها را مطالعه کرد. حقیقت را باید لایه به لایه شناخت. هر لایه ظاهری است از ظواهر متعدد و متضاد. هیچ شکل ظاهری نیست که فاقد اهمیت بررسی باشد. پس هر ظاهری را باید با دقت بررسی کرد و سپس آن را با غنای بررسی دیگران آغشته ساخت و همواره با آمار و شکل بلاواسطه اش مقایسه کرد و جایگاه هریک را تعیین نمود و مهمتر از همه حلقه های زنجیر پیوستگی آن را به لایه های ماقبل و بعدی اش کشف و مشخص ساخت. این کار یک نفر و یا حتی گروه مشخصی نیست، بلکه باید نسلی از کاوشگران را در یک مجموعه ی همراه و یک تشکیلات سراسری درگیر کشف حقیقت ساخت. اگر از واژگان ما بوی وسعت نظر و پیچیدگی می آید، نه به علت آنست که برای فروختن فخر، آن را اینگونه بیان می کنیم، بلکه به این علت است که حقیقت لایتهای و پیچیده است و شناخت از آن حتی، پیچیده تر. چرا که عامل تفکر و دیالکتیک ذهن بشری و محدودیت های آن نیز با پیچیدگی و وسعت حقیقت می آمیزد و خود را بر سوژه مورد بررسی تحمیل می کند. به همین علت است که ما هرگز، حتی در مورد یک پدیده نیز به درک حقیقت مطلق نایل نخواهیم آمد. انگلس در دیالکتیک طبیعت رابطه "شیئی در خود" و "شئی برای ما" را با رابطه ریاضی "رادیکال منفی یک"، یعنی منحنی ای که هرگز به صفر نمی رسد، توصیف می کند. به جرات می افزاییم که مارکس و انگلس و لنین و دیگر بزرگان و تئوریسین های مارکسیست نیز، با تمام نبوغ شان، به چنین درکی از مقولات "سرمایه" و "مبارزه طبقاتی" و دیگر پدیده های مورد تحقیق شان دست نیافتند. اما آنچه از آنها برای ما باقی مانده است، غنی ترین یافته هایی از حقیقت است که بشریت تا کنون به آن دست یافته است. علم مبارزه طبقاتی بر چنان یافته هایی بنا گشته است.

مارکسیسم یک علم است و روش دستیابی به آن نیز از طریق علم منطقی، یا تفکر دیالکتیکی است. ما نمی توانیم خود را به یافته های بزرگان این علم مقید و محدود سازیم. بلکه می بایست با تکیه بر بنیان های آن در انکشاف حقیقت، با همان شیوه ی منطقی دیالکتیکی، بکشیم. هستند کسانی که می خواهند با تاکید بر ناشناخته ها ما را به مبانی این علم مشکوک سازند، همانطور که دستگاه های فلسفی متافیزیکی قرون وسطی، با تکیه بر عدم تعیین جزئی حرکات سیارات و منظومه ها، بر بنیان های علم نجوم ایجاد شک و تردید می کردند. اما ما تنها با تکیه بر همین مبانی علمی است که می توانیم حقایق دنیای امروز را کشف کرده و با کشفیات خود علم مبارزه طبقاتی را قدمی به کمال نزدیک تر کنیم. با تکیه به "کاپیتال" به کشف ساختار کنونی سرمایه جهانی پیش می رویم. با تکیه به نقش تعیین کننده ی "مبارزه طبقاتی" و لزوم انقلاب پرولتری به کشف سیر تکاملی جامعه خویش و جامعه بشری در قرن بیست و یکم پیش می تازیم. با ایجاد و تکیه بر "حزب طبقه کارگر" به شناخت از شیوه ها و اشکال نوین مبارزه اجتماعی روی می آوریم. و ... و در این راستا هیچ نظریه، فرد و گروهی را مقدس نشمرد و هر مانعی در پیشبرد منافع طبقاتی پرولتاریا و تحمیل هژمونی آن بر جنبش های اجتماعی را در هم شکسته و تا استقرار حکومت شوراها و دیکتاتوری پرولتاریا و نهایتاً محو طبقات، به راه خود ادامه خواهیم داد.

اینک شماره اول "پرولتاریا" را بعنوان ارگان سیاسی - ایدئولوژیک "تلاش برای ایجاد حزب طبقه کارگر"، به منظور پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک برای کشف حقیقت شرایط و راهکارهای مبارزه طبقاتی جاری و ایجاد انسجام بین خط مشی انقلابی ارائه می دهیم و بر این نکته تکیه می کنیم که تنها با همکاری و شرکت کلیه این نسل از کمونیست های ایران است که می توانیم به اهداف خود رسیده و علم مبارزه طبقاتی، "مارکسیسم"، را تکامل دهیم.



## ادامه ضرورت ایجاد یک سازمان کمونیستی ...

موفقیتی سهل و آسان به کمک خدم و حشم بی جیره و مواجب سرمایه ، توده ای و اکثریتی و ..... که در لباس دفاع از کارگران تمام تلاششان حفظ نظام موجود است . خدم و حشمی که دولت خون ریز و هار جمهوری اسلامی به کمک آنها در دهه ۶۰ ، دهها هزار از پاکترین انسانها را که می توانستند در جنبش انقلابی نقش داشته باشند ، اعدام نمود و هزاران هزار انسان را مجبور کرد برای حفظ جانشان ، در بذر کشور های دیگر شوند . خدم و حشمی که دولت سرمایه داری با کمک آنها توانست خفقان و رعب و وحشت را در جامعه حاکم کند . شرایطی که به کمک آن توانست هر تلاشی را در جهت ایجاد تشکلهای کمونیستی را در نطفه اش خفه کند . چرا که هیچ جنبشی بدون رهبری یک تشکیلات منسجم و انقلابی ره به جایی نمی برد .

### ضرورت ایجاد حزب طبقه کارگر

بی شک همانگونه که تسلط رفرمیسم و سوسیالیسم بورژوایی در جنبش بین المللی کارگران ، توانسته مبارزات این طبقه جهانی را عقیم سازد . امروزه در جامعه ما نیز تسلط این گرایشات بورژوایی بر جنبش کارگری ، توانسته با تفکیک مبارزه اقتصادی و سیاسی از هم ( به هیچ وجه نمی توان این دو را از هم تفکیک کرد ، سرمایه در جهت اهداف خود با تفکیک این دو عرصه از هم ، مبارزات کارگران را بی افق و عقیم کرده است ) طبقه کارگر را از عرصه مبارزات سیاسی به عقب کشد و با القاء این موضوع که مبارزه و زندگی کارگران علنی است و مبارزه علنی نیز باید قانونی و صنفی باشد . بیشترین ضربه را به جنبش کارگری زده است و مبارزات کارگران را در چهار چوب مسائل صنفی و در محدوده فعالیت این کارگران ، محصور کرده است . چنانچه امروزه ما با عوارضی چون ، حزب گریزی ، قانونگرایی ، صنف گرایی در جنبش کارگری روبرویم . از سویی دیگر با خلاء هزاران کمونیست که اعدام شدند و همچنین خلاء تشکلهای قدرتمند کمونیستی که در جامعه حضوری دخالتگر و فعال در تمام عرصه های مبارزه طبقاتی داشته باشند ، روبرو هستیم .

این در حالی است که با هر فعال جنبش کارگری و کمونیست که گفتگو کنی ، در مورد حزب قدرتمند طبقه کارگر و ضرورت وجود آن ، ساعتها سخنرانی خواهد کرد . سخنانی مبنی بر اینکه ، هر کمونیستی که باور به قدرت طبقاتی کارگران دارد و معتقد است که تنها راهی جامعه و انسانهاش از فقر و فلاکت و بازگشت انسان به ذات انسانیش ، در گرو انقلاب اجتماعی و کسب قدرت سیاسی به دست تنها طبقه پیگیر و انقلابی ، کارگران می باشد . به این نیز ایمان دارد که این امر ممکن نمی گردد ، تا زمانیکه طبقه کارگر نتواند به عنوان یک طبقه در عرصه مبارزه طبقاتی حضور یابد و با رهبری دیگر بخشهای جامعه ، دست به انقلاب و کسب قدرت سیاسی زند . طبقه کارگر نیز تنها با وجود حزب ، سناد رهبری کننده اش است که می تواند به عنوان یک طبقه جنگنده و رزمنده در عرصه مبارزه طبقاتی حضور داشته و دیگر جنبش های اجتماعی را در جهت انقلاب و کسب قدرت سیاسی رهبری کند .

حزبی که در سطح جامعه و در عرصه های مختلف دخالتگر و تعیین کننده باشد و بتواند بر سر کسب قدرت سیاسی در جامعه به مبارزه برخیزد و طبقه کارگر را در این امر نمایندگی کند . حزبی که حضور فعال و دخالتگرش در عرصه مبارزات ایدئولوژیک و افشا و طرد گرایشات غیرکارگری و بورژوایی از جنبش کارگری ، در جهت حفظ صف مستقل طبقه کارگر و دخالت مستقل این طبقه در حیات سیاسی جامعه ، ضروری و نقش تعیین کننده دارد .

### تلاش برای ایجاد حزب طبقه کارگر

برای رسیدن به چنین حزبی ضروری است که پیشروان کمونیست فعال در جنبش کارگری به خرده کاری ها و محافل پراکنده پایان داده و تحت یک برنامه روشن و شفاف متشکل شوند و با ایجاد یک سازمان قوی و منسجم که پایه هایش درون این جامعه محکم شده ، تلاش کنند . سازمانی که در بر گیرنده پیشروان کمونیست فعال در جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی بوده و ساختار آن جوابگوی رشد و حفظ این پیشروان کمونیست باشد . پیشروانی که در پروسه پراتیک اجتماعی دخالتگر بوده و با از بین بردن ضعف های خود به وسیله پراتیک انقلابی و کار کمونیستی هر چه بیشتر آبدیده تر و ورزیده تر گردند . پیشروانی که به عنوان کادرهای ورزیده و کمونیست در رشد و سازماندهی جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی فعال بوده و در جهت ایجاد حزب طبقه کارگر تلاش موثر و مستمر کنند .

سازمانی کمونیستی و رزمنده که در جهت شکستن سدهای اختناق عمل کند و با تلفیق کار مخفی و علنی در مقیاسی اجتماعی دخالتگر و فعال باشد و بطور گسترده کارگران را در عرصه های مختلف ، سازماندهی کند . سازمانی با یک شالوده محکم مخفی و شبکه های منضبط زیر زمینی اما فعال و دخالتگر که بطور علنی در تمام عرصه های جامعه بتواند حضور داشته باشد .

سازمانی که در عرصه مبارزات ایدئولوژیک بتواند مبارزه ای پیگیر و مستمر را با گرایشات بورژوایی آغاز کند و به تسلط گرایش سوسیال دمکراتیک در جامعه و نفوذ آن در جنبش کارگری پایان دهد . تسلط گرایشی که در جنبش کارگری ابراز وجودش در محافظه کاری سیاسی ، عدم تحرک عملی و پاسیفیسم و محفلیسم است و نتیجه ای جز تفرقه بین کارگران پیشرو و کمونیست ندارد . آغاز مبارزه ای ایدئولوژیک پیگیر و مستمر با گرایشات غیرکارگری ، جزئی از مبارزه طبقاتی بوده و تلاشی در جهت از بین بردن تفرقه در درون جنبش کارگری است . گامی است در جهت ایجاد شرایطی که بتوان یک سازمان وسیع و منسجم کارگری بوجود آورد . تلاشی که در جهت سازمان یابی و اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران و ایجاد حزب طبقه کارگر و گامی عملی در جهت همبستگی کارگران جهان و انترناسیونالیسم طبقه کارگر است .

## ادامه شرکت در انتخابات یا تحریم آن ...

تحول اقتصادی مجری سیاستهای دیکته شده ی بانک جهانی برای تحمیل فقر بیشتر بر توده ها ست و از این طریق می پندارد که می تواند بر بحران اقتصادی و سیاسی رژیم غلبه کند، خاتمی نیز همین طرح را با آهستگی به انجام می رساند. هر دو مجری یک سیاستند. سیاست سرمایه و استثمار بیشتر توده ها! توهم و دست شستن از افشای این جریان به معنی همدستی با جمهوری اسلامی در سرکوب طبقه ی کارگر با شیوه ای دیگر است. زیرا از این حکومت و دستگاه استبداد و سرمایه و بخصوص از سیستم فیلترینگ شورای نگهبان، فقط کسانی عبور می کنند که حامی سرمایه و سرکوب هر آنچه که مردمی ست باشند. و بنا بر اقتضای شرایط حاکمیت است که به این یا آن شیوه ی سرکوب تمایل می یابند.

شاید برخی ما را به آناشپس و تند روی متهم کنند. اتهامی که هر گاه هر جریانی به ساحت مقدس مالکیت سرمایه و استثمار حمله کرده به آن متهم شده است. ما همچون فرمیستها خواهان حفظ حاکمیت سرمایه نیستیم، ما خواهان نابودی سرمایه و هر آنچه که در صدد حفظ این مناسبات هست می باشیم. هدف کمونیستها از شرکت و یا عدم شرکت در انتخابات گرفتن مناصب حکومتی برای اصلاح نبوده و نخواهد بود. نمایندگان طبقه ی کارگر در انتخاباتی شرکت می کنند که کمونیستها بطور قانونی به رسمیت شناخته شوند. هدف ما از شرکت در چنان نیز افشای فریبکاری صاحب منصبان بورژوازی ست و نه مشارکت در بازی های سرمایه داری برای تحکیم مناسبات بوروکراتیک آن. لذا کمونیستها به همراه طبقه ی کارگر آگاه و انقلابیون همراه، تا زمانی که جمهوری اسلامی حداقل حقوق دموکراتیک، یعنی شرکت آزادانه در انتخابات، هم برای انتخاب کننده و هم برای انتخاب شونده، را ایجاد نکند، تحریم انتخابات است. اما از همین امروز همه جا حضور فعال خواهیم داشت تا با نقد برنامه های جریانهای شرکت کننده و افشای آنها، به آگاهی روز افزون توده ها بیفزاییم. لذا با دور ساختن توهمات بورژوایی از خود باید وظیفه ی دائمی افشای جنایتکاران و سازماندهی توده ها برای ایجاد صف مستقل و هویت مستقل طبقه ی کارگر مبارزه کنیم.

جنگ ما یک جنگ طبقاتی ست و تا زمانی که سرمایه بر نعمات طبقه ی کارگر چنگ اندازی دارد، جنگیدن با سرمایه تنها راه است. طبقه ی کارگر زمانی می تواند یک طبقه ی برای خود گردد که یک طبقه ی رزمنده شود. تا زمانی که بر افراد منشی و خواستههای ناچیز اقتصادی فریب سرمایه داران را بخوریم و کسب قدرت سیاسی را از نظر دور کنیم، هیچگاه به طبقه ای برای خود و یک طبقه ی رزمنده تبدیل نخواهیم شد. رهایی از بردگی با امثال خاتمی و جمهوری اسلامی دیگر به پایان خط رسیده است. توده ای ها و اکثریتی ها و امثالهم به توهم کارگران دامن زده و دنباله روی از بخشی از بورژوازی بر علیه بخشی دیگر را به عنوان راه رهایی طبقه کارگر تبلیغ می کنند. اما طبقه ی کارگر آگاه باید بداند که رهایی امکان پذیر نخواهد بود مگر آنکه قدرت شوراهای کارگران برقرار گردد. نظام سیاسی ای که می تواند حداکثر دموکراسی و رهایی از بردگی را به یک امر بلاواسطه تبدیل کند. تنها با شرکت گسترده ی طبقه ی کارگر و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا ست که دموکراسی و رهایی از بردگی را برای جامعه به ارمغان می آورد. رهبران سرمایه تنها به فکر سود خود و استثمار ما هستند تا با تحمیل فقر و فلاکت و سوء استفاده از ما؛ ما را مانند گوسفند در عزا و عروسی شان قربانی کنند. **پایان**

## اعلامیه انحلال گروه کارگری هدف

### با هدف "تلاش برای ایجاد حزب طبقه کارگر"



گروه کارگری هدف

در زمانی که بحران، سراسر جهان سرمایه داری را در بر گرفته است! هنگامیکه پس از سال ها کارگران کشورهای ثروتمند نظام سرمایه داری نیز در معرض تهاجم همه جانبه سرمایه داران قرار گرفته و به جنبش انقلابی محو سرمایه داری می پیوندند! در شرایطی که جنبش های کارگری در جهان زیر نفوذ انواع فرمیسم و رویزیونیسم و اپورتونیسم در پراکندگی به سر برده و برای مواجهه با آینده ی تابناک مبارزه طبقاتی آمادگی ندارند! تنها راه متحد کردن پرولتاریای جهانی، ایجاد

استقلال صفوف پرولتاریا از طریق بنیانگذاری انترناسیونال سرخ است. و تنها راه رسیدن به چنین وحدتی ایجاد احزاب کمونیستی ای در سراسر جهان بر مبنای برنامه و طرح انقلاب پرولتاریا در جهت انهدام ماشین های حکومتی بورژوازی و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا، حکومت دموکراسی شورایی است! نظر به اینکه نظام سرمایه داری ایران، علیرغم کوشش هیئت حاکمه و جناح های تشکیل دهنده اش در ادغام در سیستم جهانی سرمایه، نه تنها هرگز نتوانستند بر بحران های اقتصادی و اجتماعی ای که حکومت پهلوی را به زیر کشید فائق آیند، بلکه به علت تاووم ضعف ساختاری و تاریخی و رقابت های شدید گروه های انحصاری طبقه حاکمه بر همان مبنی، نتوانستند تا تفاوت های منافع شان با "نظم نوین سرمایه داری" و امپراتوری دلار را حل کرده و به همین علت بر شرایط بحرانی سیاسی-اجتماعی افزوده اند! و در شرایطی که سرمایه جهانی، خود نیز در تلاطم اقتصادی-اجتماعی دست و پا می زند و نمی تواند کوچکترین کمکی به انجام اصلاحات ساختاری در سرمایه داری ایران کند! نظام اقتصادی-اجتماعی و سیاسی سرمایه داری ایران را تبدیل به یکی از ضعیف ترین حلقه های این نظام کرده است.

این شرایط بحرانی آنچنان واضح گشته که حتی محافظه کار ترین جناح های طبقه حاکمه نیز به لاعلاج بودن آن پی برده و خود را برای زمان فروپاشی حکومت آماده می سازند. تحریکات لیبرالهای راست و چپ برای شکل دهی به ائتلافی گسترده، و پیشنهاد تشکیل دولت "وحدت ملی" از مجموعه ی "دور اندیش" اصولگرایان و اصلاح طلبان، و حمایت امپریالیسم آمریکا از وقوع تغییر و اصلاحات از درون حکومت جمهوری اسلامی همه و همه بیانگر پیش بینی احتمال پیش آمد شرایط انقلابی در ایران از طرف تمامی جناح های سرمایه داری ایران و جهان است.

این بخودی خود نمی تواند خبر خوش آیندی برای طبقه کارگر ایران باشد. چرا که طبقه کارگر ایران نیز چون کارگران دیگر کشورها در بحران جدایی و تفرقه به سر برده و بعنوان یک طبقه، آماده رو در رویی های آتی در مبارزه طبقاتی نیست. وظیفه عاجل کمونیست های ایران است تا با ایجاد حزبی مبتنی بر برنامه ای انقلابی و اتحادی منسجم و پولادین از پیشتازان کارگری و انقلابیون از جان گذشته کمونیست، با فعالیت خستگی ناپذیر انقلابیون حرفه ای، رهبری خیزش های کارگری را به دست گرفته و استقلال طبقاتی این تنها طبقه ی انقلابی را تضمین نمایند. در پاسخگویی به چنین ضرورتی بود که ما، "گروه کارگری هدف" در روند ماه ها همکاری و هم نظری با رفقای دیگر محافل "تلاش برای ایجاد حزب طبقه کارگر" موفق به ایجاد پیوندی بر مبنای برنامه ای انقلابی گشته و دیگر لزومی به تاووم عمل مستقلانه نمی بینیم. و امیدواریم دیگر جریان های کمونیستی، از قبیل "جبهه واحد کارگری" و "جمعی از فعالین کارگری" و دیگر مجموعه ها و محافل انقلابیون کمونیست در پروسه مبارزه ایدئولوژیک بر روی مفاد برنامه پیشنهادی، در جهت تلاش برای ایجاد حزب طبقه کارگر درگیر گشته تا بتوانیم در آینده ای نه چندان دور به اتحاد و انسجام لازم برای تشکیل "حزب طبقه کارگر ایران" نائل آئیم.

**کمونیست های ایران متحد شویم!**

## منشور پیشنهادی "تلاش برای ایجاد حزب طبقه کارگر"

### مقدمه

در تداوم تسلط نظام سرمایه داری بر جامعه بشری و روند جهانی سازی و تمرکز کنترل ابزار تولید و نیروهای مولد در دست گروه های امپریالیستی جامعه بشری با شتاب بیشتری به سمت دو قطبی شدن طبقاتی آن پیش می رود. از یکطرف، با رقابت گروه های سرمایه جهانی علیه یکدیگر، ثروت های تولید شده توسط طبقه کارگر و دیگر طبقات و اقشار تولید کننده، در دست های عده ی کمتری متمرکز می شود، و از طرف دیگر، نیاز سرمایه به انباشت بیشتر جهت بازتولید خود و حفظ تسلطش بر جامعه بشری، میلیاردها انسان را بصورت روزمره به سمت فقر و گرسنگی و نابودی می راند. طبیعی است که در چنین شرایطی، هر روز شمار وسیع تری از طبقه کارگر جهان، همراه با توده های تولید کننده و زحمتکش، به مقاومت و مبارزه علیه این نظام کشیده می شوند و سرمایه جهانی نیز برای تقابل با چنین نیروی رو به رشدی، با تکیه بیشتر و علنی تر بر ابزار دولت های سرکوب گرش، در جهت حفظ این نظام استثمارگر و ستمگر، سعی در پیشروی در میدان مبارزه طبقاتی و حفظ موضع تهاجمی اش دارد.

این تلاش سرمایه جهانی در زمانی به وقوع می پیوندد که طبقه کارگر جهانی، پس از پیروزی ها و تهاجمات انقلابی اش در اواخر قرن نوزدهم و دستاورد انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه، بواسطه تسلط احزاب و سازمان های سازشکار و خیانت پیشه در قرن گذشته (قرن بیستم)، در تفرق کامل و نا آگاهی مطلق فرو رفته و اینک که مبارزاتش علیه نظام سرمایه داری و ارد اعتلای نوینی گشته است، نیاز و ضرورت ایجاد احزاب کارگری مسلط و متکی بر علم مبارزه طبقاتی (مارکسیسم) برای رهبری مبارزاتش بیش از پیش احساس می گردد. این وظیفه ی کلیه فعالان انقلابی کارگری است که در محل های زندگی خود، برای تأمین استقلال طبقاتی و پیشبرد مبارزات سیاسی طبقه کارگر، در راستای اهداف طبقاتی و بر مبنای استراتژی و تاکتیک انقلابی، اقدام به ایجاد احزاب پیشرو نموده تا زمینه ی ایجاد اتحاد بین المللی لازم برای سرنگونی نظام سرمایه جهانی را مهیا سازند.

با درک این ضرورت است که ما، تعدادی از محافل کارگری ایران، تلاش برای ایجاد حزب طبقه کارگر ایران را بمثابة عاجل ترین و فوری ترین اقدام خود قرار داده و در اولین قدم با ارائه ی برنامه ی پیشنهادی زیر، از کلیه ی فعالین کارگری کمونیست ایران می خواهیم تا با نقد این برنامه در جهت ایجاد وحدت لازم برای تشکیل حزب طبقه کارگر ایران تلاش کنند.

زمستان ۱۳۸۷ شمسی برابر با ۲۰۰۸ میلادی

### متن طرح اولیه منشور پیشنهادی برای ایجاد حزب طبقه کارگر ایران

#### ۱. نظام تولیدی و اهداف:

الف- نظام حاکم بر جهان امروزی نظام سرمایه داری است که دو طبقه متخاصم پرولتاریا و بورژوازی را در مقابل یکدیگر قرار داده است.  
ب- بورژوازی خواهان حفظ نظام سرمایه داری و روابط و مناسبات موجود است که به نفع طبقه ممتاز سرمایه دار می باشد. این به معنی حفظ روابط و مناسبات استثمارگری عده ی قلیلی از انسانها از دیگر انسانها و از طبیعت بوده که نتیجه ای جز فقر اکثریت جامعه بشری و ویرانی محیط زیست ندارد.

ب- بورژوازی این نظام و روابط و مناسبات موجود را از طریق اعمال دیکتاتوریت طبقاتی خود توسط حکومت های سرمایه داری و بعضاً با ائتلاف با طبقه فئودال، در سراسر جهان به پرولتاریا و دیگر طبقات و اقشار تولید کننده تحمیل کرده و از آنجائیکه این نظام بر مبنای تولید اجتماعی از یکطرف و کنترل خصوصی بر ابزار و روند و محصول تولید از طرف دیگر، قرار دارد، حامل تضادی است که نیروهای مولده را در تصادم با مناسبات و روابط تولیدی قرار داده و نهایتاً به فروپاشی آن خواهد انجامید، پرولتاریای جهانی چاره ای جز مبارزه برای سرنگونی این حکومت ها و جایگزینی آن با دیکتاتوریت پرولتاریا که تنها شکل آن استقرار حکومت دمکراتیک شورایی است، نداشته و در صورت عدم موفقیتش، آلترناتیوی جز بازگشت به بربریت در مقابل جامعه انسانی وجود ندارد.

ج- پس از اصلاحات ارضی در زمان آخرین شاه پهلوی، نظام پوسیده ی فئودالی جای خود را به شیوه تولید سرمایه داری داد که به علت جلوگیری از رشد آن توسط نیروهای امپریالیستی در طول قرن گذشته و مستعد بودن جامعه برای گذار به شیوه تولید سرمایه داری، به سرعت رشد کرد. سرمایه داری ایران، هم به علت روند طبیعی رشد سرمایه داری و هم بویژه در شرایط مشخص آن که برای تأمین منافع و اهداف امپریالیستی سرمایه جهانی بنیان گذاشته شد، اکنون در مرحله ی انحصاری سرمایه داری قرار داشته که به علت رشد نا موزون و غیر کلاسیک خود در دوران حاکمیت امپریالیسم در سطح جهانی، عمدتاً سرمایه داری ای وابسته و دلال در بخش های مالی و تجاری می باشد. اما در دوران جنگ ایران و عراق و بواسطه ی تحریم های بین المللی شرایط رشد بورژوازی صنعتی نیز فراهم آمد.

د- طبقات عمده ی حاضر در این جامعه پرولتاریا و بورژوازی بوده، اما هنوز ما شاهد بقایای نظام فئودالی، به خصوص در میان عشایر کوچ کننده هستیم.

**کارگران جهان متحد شوید**

۵ - هدف نهایی طبقه کارگر ایران به همراه طبقه کارگر جهانی سرنگونی حکومت بورژوازی به عنوان سرآغاز انقلاب سوسیالیستی بوده تا نه تنها نظام سرمایه داری، بلکه کلاً نظام طبقاتی جامعه بشری را منهدم کرده و بنای جامعه بدون استثمار و طبقه و کمونیستی را جایگزین کند.

## ۲. استراتژی:

با در نظر گرفتن شرایط جهانی و تلاش سرمایه داری بومی برای ادغام در سرمایه جهانی، فشار مضاعفی بر کارگران وارد آمده و با پیروی از سیاست های نو لیبرالیستی جهان، از طریق خصوصی سازی و سیاست درهای باز اقتصادی، باعث ورشکستگی رشته های مختلف تولیدی و نتیجتاً بیکاری و فقر اجتماعی گشته است. چنین شرایطی باعث وخامت بحران های اقتصادی و اجتماعی گشته بطوریکه دیگر قابل تحمل نبوده و مدتی است که مبارزات اجتماعی رو به اعتلاء گذاشته است و می رود تا در تداوم خود شرایط انقلابی را به جامعه تحمیل کند.

الف - طبقه کارگر ایران نه تنها از چنین شرایطی واهمه نداشته، بلکه به استقبال چنین اوضاعی رفته و از این فرصت برای سرنگونی و انهدام ماشین حکومتی بورژوازی و استقرار حکومت دیکتاتوری پرولتری به شکل دمکراسی مستقیم شوراها استفاده کند.

ب - کمونیست ها با هرگونه قرائت لیبرالی و رویزیونیستی از سوسیالیسم که زیر عبارات عوامفریبانه "جمهوری دمکراتیک" و "جمهوری دمکراتیک خلق" و یا "جمهوری دمکراتیک نوین" سعی در ابقاء اشکال هر می و پارلمانی قدرت بورژوازی را دارند و حتی به نام سوسیالیسم به جای حکومت مستقیم مردم از طریق شوراها سعی در جایگزینی "نهاد نمایندگی بورژوازی" را داشته و "دیکتاتوری حزبی" را معادل با دیکتاتوری طبقاتی پرولتاریا می نمایند، مرزبندی داشته و معتقدند که تنها شکل حکومتی ای که پرولتاریا می تواند از آن برای استقرار دیکتاتوری طبقاتی اش استفاده کند، شیوه دمکراسی مستقیم توده ای از نوع کمون پاریس می باشد که با اتکا به نیروهای مسلح داوطلبانه مردمی حکومت کرده، و هیچ نیروی مسلح متمرکز دیگری را تحمل نخواهد کرد.

ج - کمونیست ها همچنین با دیدگاه های اپورتونیستی که استراتژی طبقه کارگر را استقرار "حکومت کارگری" عنوان کرده و بدون هیچ تعریفی از آن، در را برای سازش با قرائت های رویزیونیستی و غیر کمونیستی باز می گذارند، مرزبندی دارند.

د - کمونیست ها همچنین، با قرائت های آنارشستی که لزوم تشکیل حزب طبقه کارگر را برای رهبری و هدایت مبارزات انقلابی طبقه کارگر و لزوم مسلح بودن این طبقه را به چنین تشکیلاتی که در بر گیرنده ی آگاه ترین قشر کارگران و انقلابیون کمونیست می باشد تا رسیدن به جامعه ی بی طبقه کمونیستی نفی می کنند، مرزبندی داشته و ایشان را در صفوف خویش نمی پذیرند.

## ۳. تاکتیک:

شرایط ویژه رشد سرمایه داری در ایران و متعاقباً شکل متمرکز و استبداد حکومتی آن باعث گشته تا بخشی از سرمایه داران بویژه سرمایه داران صنعتی از مراکز ثروت و قدرت دور مانده و به همین علت خواهان سرنگونی هیئت حاکمه کنونی و جایگزینی آن با الگوی متعادلی از هرم لیبرالی قدرت گردند تا مانع فروپاشی ساختار قدرت سیاسی و تغییرات بنیادین در روابط و مناسبات تولیدی و کلاً نظام و شیوه تولید سرمایه داری شوند. این بورژوازی لیبرال - رادیکال که نماینده ی سیاسی بورژوازی دور مانده از قدرت است، بیش از آنکه با حکومت استبدادی خصومت داشته باشند، از اوج مبارزات توده ای و انقلاب کارگران وحشت داشته و سعی دارند که برای گمراهی آنان چهره ای انقلابی گرفته و شعارهای پرولتاریا را با حذف محتوای انقلابی و جایگزینی محتوای سازشکارانه و لیبرالی، در جهت منافع خود به تصرف در آورده و مبارزات ایشان را به کانال های مورد کنترل خود منحرف کنند تا از این توانایی مبارزاتی در جهت چانه زنی با دیگر جناح های طبقه حاکمه و سرمایه داری جهانی، برای بدست آوردن سهم بیشتری از حاصل استثمار کارگران و چپاول منابع ملی، استفاده کنند. نتیجتاً:

الف - تاکتیک کنونی پرولتاریای ایران، افساء عملکرد و طرد هر نوع سیاست سازشکارانه ی و خط مشی های رفرمیستی - بورژوایی است که نهادها و سازمان های بالقوه انقلابی مردمی را از اهداف و استراتژی کمونیستی طبقه کارگر به جهت منافع بورژوازی و حکومتش سوق می دهند.

ب - این مهم از طریق تبلیغ و ترویج سوسیالیسم علمی و اهداف کوتاه مدت و درازمدت پرولتاریای انقلابی و سازماندهی مبارزات طبقاتی پرولتاریا و جنبش های اجتماعی توسط کمونیست ها و تشکیل هسته های کمونیستی در سراسر جامعه ایران، در مراکز شغلی و محلات سکونتی، برای اعمال رهبری حزب طبقه کارگر بر کلیه ی جنبش های اجتماعی و سمت دادن آنها به تحقق اهداف و شعارهای استراتژیک و اهداف نهایی جنبش پرولتری قابل اجرا می باشد.

ج - همچنین کمونیست های ایران با قرائت های خرده بورژوازی از انقلاب، که گویا "نمایندگان" جدا از طبقه کارگر بصورت مستقیم و بدون مبارزه طبقاتی آگاهانه، هدفمند و سازمان یافته طبقه کارگر می توانند به اهداف نهایی و استراتژیک طبقه کارگر دست یابند، مرزبندی داشته و ایشان را از میان خود طرد می کنند.

**تنها آلترناتیو انقلابی استقرار حکومت شوراهای کارخانه و محلات است**



د - همچنین کمونیست ها با تأکید بر روش ناگزیری استفاده از روش قهرآمیز و مسلحانه توسط طبقه کارگر برای شکستن مقاومت حکومت بورژوازی و تسلیح توده ها و تشکل آنها در سازمان های مسلح داوطلبانه در زیر فرماندهی مستقیم حکومت شورایی، از هر گونه توهمی نسبت به تاکتیک مسلحانه ی چریکی و یا تروریستی که زیر لوای "شکستن دیکتاتوری و استبداد" و یا "به حرکت در آوردن توده ها" مطرح می گردند، مرزبندی داشته و مبالغین و مجریان جنین تاکتیکی را از میان خود طرد می کنند.

#### ۴. گام های عملی:

وظیفه حزب طبقه کارگر و فعالین کارگری شرکت در نهادها و سازمان های مردمی و بخصوص پرولتری می باشد و با تشکیل هسته ها و کمیته های کمونیستی در واحدهای تولیدی و منطقه ای - محلی، به تبلیغ و ترویج اصول سوسیالیسم علمی و اجرای اهداف استراتژیک و تاکتیکی پرداخته و با رهبری و سازماندهی توده ای، از هر فرصتی برای ضربه زدن به ماشین حکومتی و نظام سرمایه داری استفاده کند.

الف- هسته ها و کمیته های کمونیستی ابتدایی ترین تشکلات حزبی بوده و اهداف آنها همان اهداف مطرح شده در بخش های ۱ و ۲ و ۳ این منشور می باشد.

ب- عملکرد این هسته ها برای اجرای برنامه حزبی از طریق شرکت در نهادها ، انجمن ها، جلسات عمومی، سندیکا ها، اتحادیه ها، شوراها و خلاصه هر شکل سازمانی ای که توده ها در آن اجتماع می کنند ، برای ایجاد پیوند با مبارزات اجتماعی ایشان و ایجاد امکان رهبری این مبارزات برای حزب طبقه کارگر می باشد.

ج - طبقه کارگر ایران برای پیشبرد مبارزات صنفی خود نیازی به کمونیست ها ندارد. هدف از شرکت کمونیست ها در این اجتماعات آموزش و پرورش کارگران در امر سازماندهی و آماده سازی این طبقه برای سرنگونی نظام سیاسی سرمایه داری و جایگزینی آن با حکومت شوراها می باشد. در اینجا با انواع گزایشات رفرمیستی، رویزیونیستی و اپورتونیستی که کوشش دارند سطح مبارزات طبقه کارگر را به خواست های صنفی، و مبارزات سیاسی آن را در چهارچوب های رفرمیستی محدود کنند مرزبندی داشته و تئوری های سازشکارانه ای که به بهانه ی «عدم آمادگی طبقه کارگر» و یا «عدم آمادگی زیربنایی» سعی می کنند تا اهداف آن را تا حد قابل پذیرش برای بورژوازی پایین آورند را، افشا و حاملین و عاملین آن را طرد می سازند.

د- کمونیست ها همواره به دموکراسی درونی نهادها و تشکلات متنوع کارگری و مردمی، تا زمانیکه این تشکل ها وابسته به ماشین دولتی سرمایه داری نباشند، احترام گذاشته و سعی می کنند تا با آموزش اصول سوسیالیسم علمی و تبلیغ و ترویج برنامه های حزبی، با جلب آرا اکثریت اعضا اینگونه تشکلات، رهبری حزبی را تامین نمایند.

ه- رهبری حزب طبقه کارگر با شرکت فعالانه ی اعضای هسته ها و کمیته های کمونیستی در مبارزات روزمره کارگران و دیگر اقشار و طبقات تحت ستم و استثمار خصوص تامین و تضمین می گردد.

و - از جمله خواسته هایی که کارگران و دیگر اقشار و طبقات اجتماعی تحت ستم و استثمار را می توان حول آنان سازماندهی کرد و به مبارزه کشاند عبارتند از:

- آزادی تشکل های سیاسی و صنفی کارگران از جمله فعالیت های حزبی، تشکیل اتحادیه ها و سندیکاها و انجمن ها و ... و مشارکت ایشان در تصمیم گیری و برنامه ریزی های صنفی در محل کار و یا سیاسی و اقتصادی و اجتماعی در محل سکونت

- حق اعتصاب، اعتراض سیاسی و صنفی

- حقوق دموکراتیک آزادی اجتماعات، آزادی بیان، آزادی مطبوعات و ...

- برابری حقوق اقتصادی - سیاسی و اجتماعی زنان و مردان و ممنوعیت کار کودکان

- تأمین حقوق بیکاری برای کارگران بیکار برابر با حداقل دستمزد یک کارگر شاغل در همان رشته

- تأمین مرخصی با حقوق برای دوران حاملگی زنان کارگر و تأسیس مهد کودک در محل های کار برای خردسالان

- تحصیل رایگان تا پایان تحصیلات عالی و تخصصی

- تعیین حداقل سن بازنشستگی و تأمین حقوق مادام العمر برای بازنشستگان که کمتر از آخرین سطح حقوق زمان اشتغال ایشان نباشد.

- بهداشت رایگان از جمله هزینه های بستری شدن در بیمارستان و معالجات و دارو

....

## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر